

استعاره‌های مفهومی و طرح‌واره‌های تصویری در تبیین مفهوم انسان در آثار

دکتر شریعتی و استاد مطهری

(بر اساس نظریه زبان‌شناسی شناختی لیکاف و جانسون)

ملاحت شعبانی میناباد*^۱ (استادیار گروه زبان‌شناسی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران)DOI: [10.22034/JILR.2023.139868.1084](https://doi.org/10.22034/JILR.2023.139868.1084)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۲۰

تاریخ الوصول: ۲۰۲۳/۱۰/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۲۷

صفحات: ۲۲۷-۲۰۳

تاریخ القبول: ۲۰۲۳/۱۲/۱۸

چکیده

استعاره‌ها تجلی زبانی استعاره‌های مفهومی هستند که در زبان‌شناسی شناختی به فهمیدن یک ایده یا یک حوزه مفهومی بر اساس ایده یا حوزه مفهومی دیگر اشاره می‌کنند. یک حوزه مفهومی می‌تواند متشکل از هرگونه سازمان‌دهی منظم تجربیات انسانی باشد. به اعتقاد لیکاف و جانسون (۱۹۸۰) از استعاره‌ها نه تنها می‌توان در مورد پدیده‌ها سخن گفت بلکه می‌توان به کمک آن‌ها در مورد آن‌ها اندیشید. پژوهش حاضر استعاره مفهومی و طرح‌واره تصویری مفهوم انسان را در آثار دکتر شریعتی و مطهری براساس زبان‌شناسی شناختی مورد بررسی قرار داده است که پژوهشگر با استفاده از نظریه لیکاف و جانسون (۱۹۸۰) به تحلیل طرح‌واره و استعاره‌ها پرداخته است. این پژوهش از نوع تحلیل - توصیف محتوا و بصورت کمی - کیفی می‌باشد. پیکره داده‌های پژوهش حاضر را چهار اثر از آثار مطهری و شریعتی تشکیل می‌دهد که از هر کدام دو اثر انتخاب شده است. پژوهشگر پس از استخراج داده‌ها با استفاده از نرم افزار اس پی اس اس و آزمون لگ خطی به تجزیه و تحلیل داده‌ها پرداخته است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که هر دو نویسنده از استعاره‌های مفهومی و طرح‌واره‌های تصویری در تبیین مفهوم انسان در آثار خود استفاده کرده‌اند که بسامد آن‌ها در آثار شریعتی بیشتر بوده است. نتیجه دیگری که از این پژوهش بدست آمد نشان می‌دهد که تفاوت معناداری در ارائه، تنوع و فراوانی انواع استعاره‌های مفهومی و طرح‌واره‌های تصویری در آثار مطهری و شریعتی وجود دارد.

کلمات کلیدی: استعاره، استعاره‌های مفهومی سازی، طرح‌واره‌های تصویری، مفهوم انسان، زبان‌شناسی شناختی.

^۱ نویسنده مسؤول؛ پست الکترونیک: m.shabani@pnu.ac.ir

دراسة مجازية لمفهوم الإنسان في أعمال الدكتور شریعتی والأستاذ مطهری استنادا إلى نظرية ليكوف وجونسون مع مدخل إلى اللغويات المعرفية

چکیده

الاستعارات هي المظهر اللغوي للاستعارات المفاهيمية التي تشير في اللغويات المعرفية إلى فهم فكرة أو مجال مفاهيمي يعتمد على فكرة أو مجال مفاهيمي آخر. يمكن أن يتكون المجال المفاهيمي من أي تنظيم منهجي للتجربة الإنسانية. وفقا لليكوف وجونسون (١٩٨٠)، يمكن استخدام الاستعارات ليس فقط للحديث عن الظواهر، ولكن أيضا للتفكير فيها بمساعدتها. تناول البحث الحالي الاستعارة المفاهيمية والمخطط البصري للمفهوم الإنساني في أعمال الدكتور شریعتی ومطهری اعتمادا على اللسانيات المعرفية، وقام الباحث بتحليل المخطط والاستعارات باستخدام نظرية ليكوف وجونسون (١٩٨٠). هذا البحث من نوع تحليل المحتوى - الوصف، ومن النوع الكمي - النوعي. تتكون مجموعة بيانات البحث الحالي من أربعة أعمال لمطهری وشریعتی، وقد تم اختيار اثنين منها. وبعد استخراج البيانات قام الباحث بتحليل البيانات باستخدام برنامج SPSS واختبار السجل الخطي. وتظهر نتائج البحث أن كلا المؤلفين استخدمتا الاستعارات المفاهيمية والمخططات التصويرية في شرح مفهوم الإنسان في أعمالهما، والتي كانت أكثر تكرارا في أعمال شریعتی. وتبين نتيجة أخرى تم الحصول عليها من هذا البحث وجود اختلاف كبير في عرض وتنوع وتكرار الاستعارات المفاهيمية ومخططات الصور في أعمال مطهری وشریعتی.

الكلمات المفتاحية: الاستعارة، الاستعارات المفاهيمية، المخططات الصورية، المفهوم الإنساني، اللسانيات المعرفية.

مقدمه

زبان‌شناسی شناختی رویکردی است که بر زبان، به عنوان وسیله‌ای برای سامان‌دهی، پردازش و انتقال اطلاعات تأکید می‌کند. در این رویکرد، زبان نظامی از مقوله‌ها، در نظر گرفته می‌شود و ساختار صوری زبان فقط به عنوان پدیده‌ای مستقل بررسی نمی‌شود. این رویکرد به بررسی رابطه میان زبان انسان، ذهن و تجارب اجتماعی و فیزیکی او می‌پردازد. در سال ۱۹۸۰، لیکاف و جانسون^۱ با طرح نظریه استعاره‌های مفهومی مدعی شدند که انسانها براساس تجربیات عینی خود در جهان خارج به مفهوم‌سازی در ذهن خود می‌پردازند. به بیان دیگر، مفاهیم موجود در ذهن هر فرد برگرفته از تجربیات او در طول زندگی‌اش است. این نظریه همچنین بیان می‌دارد هر مفهومی که به‌طور مستقیم از این تجربیات فیزیکی حاصل نشده باشد، جنبه استعاری دارد. مثال بارز این نوع مفاهیم، پدیده‌های انتزاعی می‌باشند. لیکاف و جانسون معتقدند که ذهن انسان برای مفهوم‌سازی و درک پدیده‌های انتزاعی، از مفاهیم عینی به عنوان پایه استفاده می‌نماید. در این دیدگاه بین عبارت‌های زبانی و ساختارهای ذهنی ارتباط مستقیم وجود دارد و یادگیری زبان و استفاده از آن بر پایه تجربه‌هایی خواهد بود که در حافظه انسان شکل می‌گیرند به عبارت دیگر نمی‌توان زبان را از گویندگان و محیط اطراف آن جدا کرد. لیکاف و جانسون براساس شواهد و مدارکی دریافته‌اند که بخش زیادی از نظام تصویری ما اساساً تصویری است و نیز به شیوه‌ای دست یافته‌اند که می‌توانند به‌طور دقیق استعاره‌هایی را که شیوه تفکر و درک و عمل ما را تعریف می‌کنند، مشخص نمایند. استعاره از دیدگاه این دو زبان‌شناس، عنصری بنیادین در مقوله‌بندی جهان خارج و فرآیندهای اندیشیدن است و به ساخت‌های بنیادین دیگری از قبیل طرح‌واره‌های تصویری یا فضاهای ذهنی^۲ مربوط می‌شود.

تعریف اولیه استعاره‌های مفهومی توسط لاکوف و جانسون (۱۹۸۰) این است که "استعاره مفهومی درک یک حوزه از تجربه بر حسب حوزه دیگر است." بر خلاف تعریف ارائه شده توسط لاکوف و جانسون (۱۹۸۰)، آن از "دو حوزه تجربه" برای جایگزینی "درک یک حوزه بر حسب حوزه دیگر" استفاده می‌کند و به جای "نقشه برداری" از "تطابق" استفاده می‌کند. این به دلیل این واقعیت است که "حساب دو دامنه‌ای کار نمی‌کند و باید با مدلی از توضیح تکمیل شود که بر چهار (یا بیشتر) دامنه یا فضا تکیه دارد" (ص: ۱؛ کووچش، ۲۰۲۰). علاوه بر این، استعاره‌های مفهومی را نمی‌توان همیشه از حوزه مبدا به حوزه هدف نگاشت. در حقیقت این ساختارها

¹ Lakoff & Johnson

² Mental Spaces

³ Zoltán

"چارچوب اسکلتی را تشکیل می دهند که به پیوندهای استعاری بین مفاهیم و مقولات اجازه می دهد تا پایه و اساس استدلال و بررسی انتزاعی را فراهم کنند" (ص. ۷۹؛ توماس^۱، ۲۰۱۰) در چند دهه گذشته، چالشها یا نقدهای ادبی نوظهوری برای نظریه استعاره مفهومی لاکوف و جانسون در داخل و خارج از زبان‌شناسی شناختی وجود داشته است (کامرون^۲، ۲۰۰۷، ۲۰۱۰؛ ریتچی^۳، ۲۰۱۰؛ گیبز^۴، ۲۰۱۱). تعریف فنی تری که کووچش (۲۰۲۰) از استعاره‌های مفهومی ارائه می دهد بدین گونه است: "استعاره مفهومی مجموعه‌ای منظم از مطابقت‌های بین دو حوزه تجربه است" (ص. ۲).

استعاره‌های مفهومی را می‌توان براساس نقش شناختی، در سه دسته قرار داد: ساختاری، جهتی و وجودی. استعاره‌های ساختاری، ساختار حوزه مبدأ را بر حوزه مقصد الگو برداری می‌کنند و بدین طریق گویندگان را قادر می‌کنند که یک حوزه را از راه حوزه‌ای دیگر درک کنند. استعاره‌های جهتی، به‌طور عمده، نقش ارزیاب را دارا می‌باشند. آنها گروه زیادی از استعاره‌ها را با هم هماهنگ و منسجم می‌کنند. استعاره‌های وجودی درک بنیادین و در عین حال خام و زمختی را از مفاهیم مقصد به دست می‌دهند. این درک بنیادین ولی خشن، اغلب پایه‌ای برای استعاره‌های ساختاری فراهم می‌کند. استعاره‌های مفهومی می‌توانند از دانش گزاره‌ای و انواع مختلف تصویر (و نه صرفاً تصویر های بصری) استفاده کنند (کووچش، ۲۰۰۲: ۲۰۸). استعاره‌های مفهومی می‌توانند به انواع استعاره‌های مفهومی ترس، درد و شادی بیان شوند.

در اکثر فرهنگها، تاریکی با وحشت و ترس همراه است و روشنایی و نور تنها راه غلبه به این ترس است. بی‌شک استعاره‌ی مفهومی ترس و اسطوره‌های مربوط به آن ناشی از تجربه بشری است، این تجربه شاید زمانی شکل گرفت که بشر اولیه در روز بر جنگل و اکثر موجودات تسلط داشت ولی با آمدن شب بر ترس او افزوده می‌شد.

برجسته بودن تفکرات در حوزه مبدأ در تمامی استعاره‌های مفهومی پژوهش دیده می‌شود؛ مردن در این استعاره‌ها به وضوح دیده می‌شود، چرا که زمانی فردی می‌گوید «جونم به لبم رسیده بود» با زمانی که می‌گوید «ترسیدم» کاملاً متفاوت است. در این مثال، اغراق دیده می‌شود و در واقع معنی ترسیدن با مردن درک و برجسته شده است که نهایت ترس را می‌رساند. این مسئله در بقیه‌ی استعاره‌ها هم نمود دارد. بنابراین، ویژگی سامان یافتگی در این استعاره‌ها مورد تأیید می‌باشد. ما هرگز در استعاره‌های یافت شده نمی‌توانیم جای حوزه‌ی مبدأ و مقصد را عوض کنیم. در این استعاره‌ها مرگ است که برای ترس مفهوم‌سازی کرده است؛ در واقع مردم برای ترسیدن،

¹ Thomas

² Cameron

³ Ritchie

⁴ Gibbs

مفهومی را آفریده اند. از طرفی دیگر در استعاره مفهومی درد، احساس درد یکی از مفاهیم بنیادین در انسان است که حسی منفی را در درون آن بوجود می‌آورد. درون بینی یا "حس درون" یک استعاره و بیان استعاری است. دیدن و حس کردن در کار نیست. وقتی می‌گوئیم درد دارم یا به افکارم می‌نگرم، منظورم این نیست که با یک چشم درونی ناظر آن‌ها هستم. در این جا دیدن همان خودآگاهی و عین آن است. در واقع شناختی اتفاق نمی‌افتد. آگاهی شما از افکار تان نوعی دانستن متعارف نیست. (ویتگنشتاین^۱، ۱۹۸۰).

در استعاره مفهومی شادی، احساس شادی یکی از مفاهیم بنیادین در انسان است که حسی مثبت را در فرد بوجود می‌آورد. استعاره شادی در فرهنگ‌های مختلف دارای حوزه‌های کاربرد متفاوت می‌باشد. این استعاره در بیشتر زبانها و فرهنگ‌ها دارای ویژگی‌های مشترکی است که به نظر می‌آید دلیل این امر وجود پایه‌های مفهومی مشترک بین انسان‌ها باشد. این موضوع خود به فرضیه‌ای منجر شده که بر اساس آن می‌گویند امکان دارد تناظری بین حوزه‌های ادراکی و شبکه‌های نورونی مغز وجود داشته باشد.

جانسون و آرنلینگ^۲ (۱۹۹۷) در کتاب بدن در ذهن^۳، ذهن را جسم بنیاد می‌داند به این معنی که تجربه‌های جسمی را منشأ بروز طرح‌واره‌های تصویری در نظام مفهومی معرفی می‌کند. او معتقد است طرح‌واره‌های تصویری از تجربه‌های جسمی و ادراکی نشأت می‌گیرند. این طرح‌واره‌های تصویری، ساختار یکپارچه و سازمان یافته‌ای دارند که تقلیل‌پذیر نیستند و گرنه کل مفهوم آن‌ها فرو می‌پاشد. جانسون فهرستی از مهم‌ترین طرح‌واره‌های تصویری ارائه می‌دهد که عبارتند از:

طرح‌واره‌ی ظرف^۴، طرح‌واره‌ی نیرو^۵، طرح‌واره‌ی مسیر^۶، طرح‌واره‌ی سطح^۷، طرح‌واره‌ی جذب^۸، طرح‌واره‌ی تعادل^۹، طرح‌واره‌ی وصل^{۱۰}، طرح‌واره‌ی تماس^{۱۱}، طرح‌واره‌ی میزان^{۱۲}، طرح‌واره‌ی اخبار^{۱۳}، طرح‌واره‌ی مانع^{۱۴} و طرح‌واره‌ی رفع مانع^{۱۵}.

^۱ Wittgenstein

^۲ Jahson, M & Arnlling

^۳ Body in the Mind

^۴ Container Schema

^۵ Force Schema

^۶ Path Schema

^۷ Surface Schema

^۸ Attraction Schema

^۹ Balance Schema

^{۱۰} Link Schema

^{۱۱} Contact Schema

^{۱۲} Scale Schema

^{۱۳} Compulsion Schema

^{۱۴} Blockage Schema

^{۱۵} Restraint Schema

جانسون می‌گوید طرح‌واره‌های تصویری در روند سازماندهی ذهنی، از یک‌سو، بین دو سطح ساختارهای انتزاعی گزاره‌ها و از سوی دیگر بین مصداق‌های عینی و مادی قرار می‌گیرد و در یک سطح بینابینی عمل می‌کنند. جورج لیکاف (۲۰۰۳) درباره شکل‌گیری طرح‌واره‌های تصویری نگرش جدیدی را ارائه می‌دهد، از جمله این که طرح‌واره‌های تصویری ساختارهای شناختی اما پایه‌ای هستند که از تجربه‌های ما از جهان خارج به دست می‌آیند این ساختارها روابط مکانی هستند که طبیعتاً از طریق «حروف اضافه» به دست داده می‌شوند و به نظر می‌رسد به واسطه دانش فیزیکی ما از بودن در جهان خارج شکل می‌گیرد.

پیشینه ی تحقیق

تحقیقات قابل توجهی در خصوص طرح‌واره‌های تصویری، استعاره‌های مفهومی و همچنین در حوزه مفهوم سازی صورت گرفته که نشان دهنده توجه جامعه پژوهشی به این حوزه است. صیادی نژاد و همکاران (۱۳۹۸) در مقاله "تحلیل و بررسی طرح‌واره‌های استعاری-تصویری در دو سینیۀ بحتری و احمد شوقی" معتقدند الگوهای فرهنگی مشترکی مبنای طرح استعاره‌های مفهومی-تصویری این دو قصیده است، به طوریکه بحتری و شوقی، با استفاده از تجربیات روزانه و حوادثی که در پیرامون خود شاهد بوده اند، توانسته اند مفاهیم انتزاعی را به خوبی به تصویر بکشند. سانتی^۱ (۲۰۰۲) در مقاله خود با عنوان «طرح‌واره شی^۲ و دیگر طرح‌واره‌های وابسته» این طور استدلال می‌کند که استفاده از طرح‌واره‌های تصویری میزان ارزش تبیینی تحلیل را افزایش می‌دهد زیرا این الگوهای شناختی در روند طرح‌ریزی، فعال‌سازی و فرافکنی ساختار دانش ذهنی بشر، طرحی زیربنایی محسوب می‌شوند. از میان طرح‌واره‌های تصویری طرح‌واره شیء از اهمیتی ویژه برخوردار است. ماهیت طرح‌واره‌ی شیء، ریشه در تعاملات روزمره ما با بدن خود و سایر اشیا دارد و شاید بتوان این طرح‌واره را به‌عنوان یک طرح‌واره پایه معرفی نمود که سایر طرح‌واره‌ها از آن منعشب می‌شوند.

یکه دهقان (۱۳۷۵) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان طرح‌واره‌های اسامی زبان فارسی، وجوه اشتراک و وجوه افتراق به بررسی طرح‌واره‌های اسامی زبان فارسی پرداخته و به این نتیجه رسیده است که گرایش فارسی‌زبانان نسبت به اسامی ذات و معنی از نقطه نظر حوزه‌ی معنایی یکسان نیست. همچنین تقسیم‌بندی اسامی زبان فارسی از دو حالت دوگانه ذات و معنی خارج گردیده و روی یک طیف به صورت ذات، نسبتاً ذات، نسبتاً معنی و معنی طبقه‌بندی شد. الهام تولایی (۱۳۷۹) پایان‌نامه خود با عنوان تأثیر طرح‌واره‌های محتوا بر خواندن و درک مطلب در

¹ Santy

² Object Schema

آموزش زبان خارجی را به منظور آزمون تأثیر عامل طرح‌واره‌های محتوا بر فرآیند خواندن و درک مطلب، به انجام رسانده است. مرکز توجه و بررسی این مطالعه سوال زیر می‌باشد: آیا آشنایی با حوزه محتوایی متن بر درک مطلب در خواندن تأثیر می‌گذارد؟ تجربه نشان می‌دهد که بسیاری از آموزندگان زبان انگلیسی به‌عنوان زبان خارجی قادر به درک کارآمد متون خواندنی نمی‌باشند. برخی پژوهشگران مشکلات مربوط به درک در زبان دوم را ناشی از ضعف توانایی خواندن در زبان اول و برخی دیگر آن را منتسب به نارسایی‌های زبانی می‌دانند. این پژوهش به بررسی این امر می‌پردازد که پاره‌ای از مشکلات به ظاهر مربوط به خواندن زبان آموزان، ممکن است مشکلات ناشی از دانش زمینه ناکافی درباره محتوای متون باشد. نتایج حاکی از این بود که محتوای متون و یا به عبارت دیگر، وجود یا فقدان طرح‌واره‌های محتوایی خاص، بر خواندن و درک مطلب تأثیر می‌گذارد

کورش صفوی (۱۳۷۹) در بخشی از کتاب درآمدی بر معنی‌شناسی به ارائه‌ی تصویری کلی از معنی‌شناسی شناختی و مبانی مطرح شده در آن می‌پردازد و سپس به معرفی طرح‌واره‌های تصویری از جمله: طرح‌واره‌های حجمی، طرح‌واره‌های حرکتی و طرح‌واره‌های قدرتی می‌پردازد. همچنین دیگر مسائل مربوط به معنی‌شناسی شناختی از قبیل فضاهای ذهنی، تعبیر صحنه و غیره را مطرح می‌کند. ستاره مهدی‌زاده سراج (۱۳۸۳) با ارائه‌ی مقاله‌ای با نام «بررسی طرح‌واره‌های تصویری در یک اثر ادبی» در مجموعه مقاله‌های ششمین کنفرانس زبان‌شناسی به بررسی طرح‌واره‌های تصویری از دیدگاه معنی‌شناسی شناختی در قالب یک پیکره محدود پرداخته است. ایشان ابراز می‌دارند: «این مقاله که با الگوگیری از جانسون و صفوی به بررسی طرح‌واره‌ها پرداخته است، در مجموعه جز سه طرح‌واره‌ی جانسون به وجود پنج طرح‌واره‌ی دیگر نیز قایل است» و نیز می‌افزاید که: «با توجه به همین پیکره‌ی محدود و با در نظر گرفتن این نکته که جانسون برای تشخیص این طرح‌واره ملاکی به دست نداده است، می‌توان براساس تجربیات (غالباً فیزیکی) بی‌شمار انسان در جهان به تعداد نامحدودی از این طرح‌واره‌ها قائل شد». همچنین ایشان معتقدند که هرچه گونه‌ی زبانی اثر، به زبان ادب نزدیک‌تر می‌شود، طرح‌واره‌ها کمتر و کاربرد آن‌ها بسیار محدودتر می‌گردد.

بحث و بررسی

با توجه به اینکه، تاکنون مطالعه‌ی استعاره در زبان فارسی حداکثر به علم معانی و بیان محدود بوده و بررسی استعاره‌های ترس، درد و شادی در چارچوب نظریات نوین زبان‌شناسی و به ویژه علم معناشناسی شناختی در آثار نویسندگان به صورت بسیار محدود صورت پذیرفته است، این پژوهش تلاشی در جهت روشن کردن این جنبه‌های ناشناخته و کمتر مطالعه شده در آثار ایدئولوگ‌های معاصر جمهوری اسلامی در زبان فارسی از دیدگاه مطالعات نوین معناشناسی شناختی می‌باشد تا

استعاره‌های بیان احساسات در انسان را در متون سیاسی - اجتماعی زبان فارسی بیشتر و بهتر مورد مطالعه و ارزیابی قرار دهد. علت انتخاب آثار این دو نویسنده این است که دکتر شریعتی و مطهری ایدئولوگ‌های گفتمان جمهوری اسلامی بودند به طوری که در بین پژوهشگران علوم اجتماعی شریعتی را کنشگر گفتمانی دال «جمهوریت» و مطهری را کنشگر گفتمانی دال «اسلامیت» نظام می‌دانند. به بیان دیگر، مطهری نماینده یا کنشگر دال فقهی-سیاسی و مطرح‌کننده اصل ولایت فقیه بود ولی دکتر شریعتی عامل گفتمانی غیره‌ای داخلی گفتمان انقلاب اسلامی نظیر نهضت آزادی بود. بنابراین هدف اصلی این تحقیق تبیین رویکرد معنی‌شناسی شناختی در نحوه مفهوم‌سازی حوزه انتزاعی انسان با استفاده از استعاره‌های مفهومی و طرح‌واره‌های تصویری در آثار دکتر شریعتی و استاد مطهری است. در حقیقت هدفی که این تحقیق دنبال دارد این است که نشان دهد تفاوت در نحوه تجسم‌سازی مفاهیم با استفاده از استعاره‌ها و طرح‌واره‌ها توسط اندیشمندان مختلف می‌تواند خط فکر و دیدگاه‌های آنها را منعکس سازد.

در راستای اهداف تحقیق سوال اصلی که می‌تواند مطرح شود اینست که آیا تفاوت معناداری در شیوه‌های مفهوم‌سازی از جمله نحوه استفاده از مفاهیم استعاری مقوله انسان در آثار دکتر شریعتی و مطهری وجود دارد؟

سوالات فرعی این تحقیق نیز از این قرار است:

۱. چه تفاوت معناداری در ارائه انواع استعاره‌های مفهوم‌سازی در آثار دکتر شریعتی و مطهری وجود دارد؟
۳. چه تفاوت معناداری در تنوع و فراوانی استفاده از انواع استعاره‌های مفهومی و طرح‌واره‌های تصویری در آثار دکتر شریعتی و مطهری وجود دارد؟
۴. کدام یک از شیوه‌های مفهوم‌سازی و استعاره در آثار دکتر شریعتی و مطهری تاثیر بیشتری داشته است؟

روش تحقیق

تحقیق حاضر به روش مطالعه‌ی کتابخانه‌ای در محدوده‌ی آثار دکتر علی شریعتی و مرتضی مطهری و در زمینه موضوعی معنی‌شناسی شناختی و بالاختص مفاهیم استعاری است. پیکره داده‌ها آثار دکتر شریعتی و استاد مطهری می‌باشد. روش تحقیق از نوع توصیفی تحلیل محتوا و به صورت کمی - کیفی هست. جامعه آماری کلیه مباحث مربوط به استعاره در مجموعه آثار دکتر شریعتی و مطهری است. کتاب‌های «انسان کامل» و «انسان و سرنوشت» آثار شهید مطهری و «هبوط در کویر» و «فاطمه فاطمه است» از آثار دکتر شریعتی انتخاب شده اند که پژوهشگر پس از مطالعه و بررسی، استعاره‌ها را براساس نظریه لیکاف و طرح‌واره‌ها را براساس نظریه جانسون استخراج

کرده است. سعی بر آن شده است که همه قسمت‌هایی که در آن در مورد استعاره مطلبی وجود دارد انتخاب شوند در نتیجه می‌توان گفت که نمونه‌گیری انجام نشده است و از همه مطالب مرتبط به استعاره‌ها استفاده شده است. بنابراین، پس از بررسی تمامی آثار این دو نویسنده به استخراج داده‌ها پرداخته شده و به دسته‌های مختلف تقسیم شده اند.

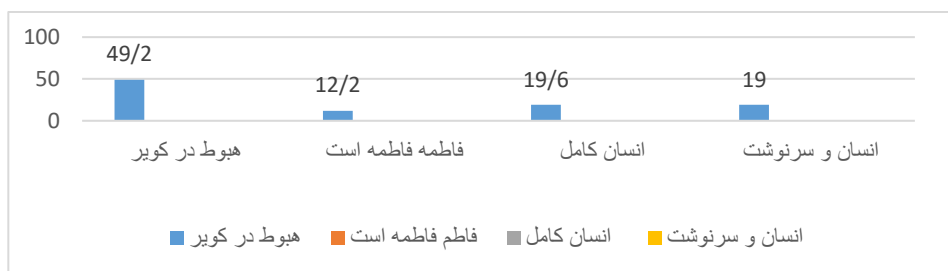
یافته های توصیفی متغیرهای مورد بررسی

جمله های مورد بررسی در آثار منتخب

با توجه به جدول و نمودار ۱ از میان ۷۵۹ جمله بررسی شده، کتاب هبوط در کویر با تعداد ۳۷۴ جمله، بیشترین درصد فراوانی (۴۲/۲٪) را داشته است. بعد از آن ۱۴۹ جمله (۱۹/۶٪) مربوط به کتاب انسان کامل، کتاب انسان و سرنوشت با ۱۴۳ جمله (۱۹٪) و کتاب فاطمه فاطمه است با تعداد ۹۳ جمله و (۱۲/۲٪) کمترین میزان فراوانی را داشته است.

جدول ۱- درصد فراوانی جمله های مورد بررسی در آثار منتخب

آثار	فراوانی	درصد	درصد صحیح	درصد تجمعی
هبوط در کویر	۳۷۴	۴۹/۲٪	۴۹/۲	۴۹/۲٪
فاطمه فاطمه است	۹۳	۱۲/۲٪	۱۲/۲	۶۱/۴٪
انسان کامل	۱۴۹	۱۹/۶٪	۱۹/۶	۸۱
انسان و سرنوشت	۱۴۳	۱۹٪	۱۹	۱۰۰٪
جمع کل	۷۵۹	۱۰۰٪	۱۰۰	-



نمودار ۱- درصد فراوانی جمله های مورد بررسی در آثار منتخب

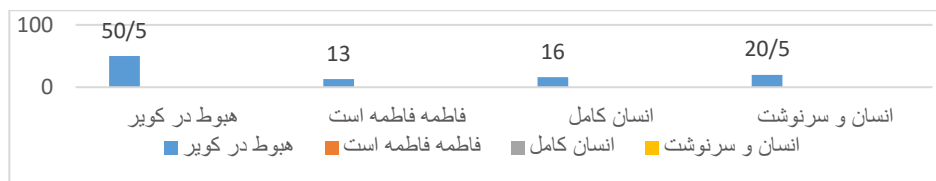
فراوانی استعاره ها در آثار مورد بررسی

جدول و نمودار ۲ نشان می‌دهد که فراوانی استعاره در کتاب هبوط در کویر با درصد (۵۰/۵٪) بیشترین میزان استفاده از استعاره را داشته است. کتاب انسان و سرنوشت با درصد (۲۰/۵٪) بعد از

آن بیشترین و انسان کامل (۱۶٪) و کمترین میزان استفاده از استعاره در آثاری مورد بررسی مربوط به کتاب فاطمه فاطمه است با (۱۳٪) درصد می‌باشد.

جدول ۲- درصد فراوانی استعاره‌ها در آثار مورد بررسی

آثار	فراوانی	درصد	درصد صحیح	درصد تجمعی
هبوط در کویر	۲۹۶	۵۰/۵٪	۵۰/۵	۵۰٪/۵
فاطمه فاطمه است	۷۵	۱۳٪	۱۳	۶۳٪/۵
انسان کامل	۹۳	۱۶٪	۱۶	۷۹٪/۵
انسان و سرنوشت	۱۲۱	۲۰/۵٪	۲۰/۵	۱۰۰٪
جمع کل	۵۸۵	۱۰۰٪	۱۰۰	-



نمودار ۲- فراوانی استعاره‌ها در آثار مورد بررسی

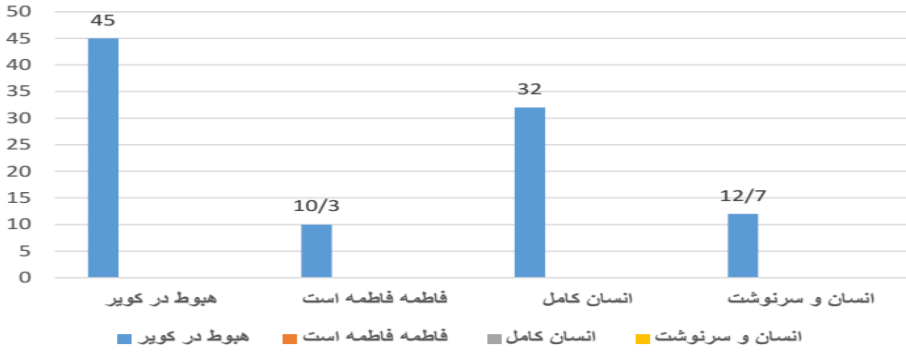
فراوانی طرح‌واره‌ها در آثار مورد بررسی

جدول و نمودار ۳ درصد فراوانی انواع طرح‌واره در آثاری که مورد بررسی قرار گرفته‌اند را نشان می‌دهد. همانطور که جدول و نمودار نشان می‌دهند کتاب هبوط در کویر با (۴۵٪) بیشترین میزان استفاده از طرح‌واره را داشته است. کتاب انسان کامل (۳۲٪) و بعد از آن انسان و سرنوشت با میزان (۱۲٪/۷) و فاطمه فاطمه است (۱۰٪/۳) کمترین میزان را به ترتیب داشته‌اند.

جدول ۳- درصد فراوانی طرح‌واره‌ها در آثار مورد بررسی

آثار	فراوانی	درصد	درصد صحیح	درصد تجمعی
هبوط در کویر	۷۸	۴۵٪	۴۵	٪۴۵
فاطمه فاطمه است	۱۸	۱۰/۳٪	۱۰/۳	۵۵٪/۱
انسان کامل	۵۶	۳۲٪	۳۲	۸۷٪/۱
انسان و سرنوشت	۲۲	۱۲/۷٪	۱۲/۷	۱۰۰٪

جمع کل ۱۷۴ ۱۰۰٪ ۱۰۰ -

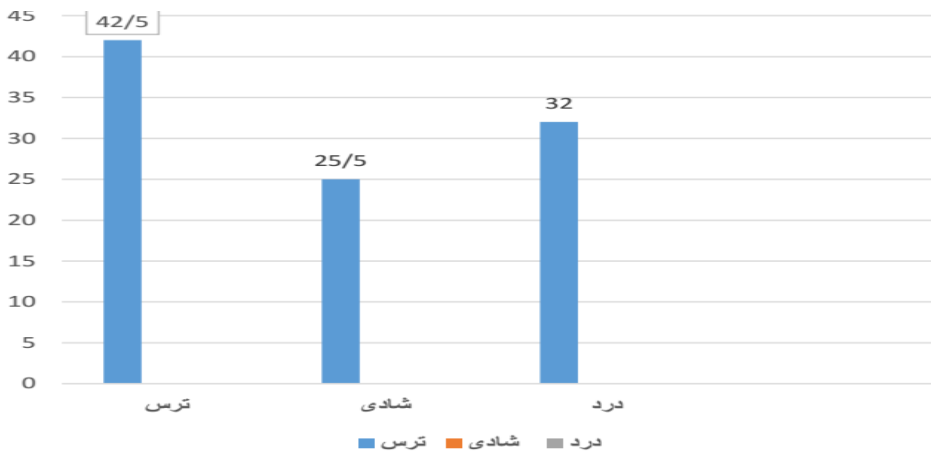


نمودار ۳- فراوانی طرح‌واره‌ها در آثار مورد بررسی

انواع استعاره در آثار شریعتی

جدول ۴- فراوانی انواع استعاره در آثار شریعتی

انواع استعاره	فراوانی	درصد	درصد صحیح	درصد تجمعی
ترس	۱۵۸	۴۲/۵٪	۴۲/۵	۴۲/۵٪
شادی	۹۴	۲۵/۵٪	۲۵/۵	۶۸٪
درد	۱۱۹	۳۲٪	۳۲	۱۰۰
جمع کل	۳۷۱	۱۰۰٪	۱۰۰	-



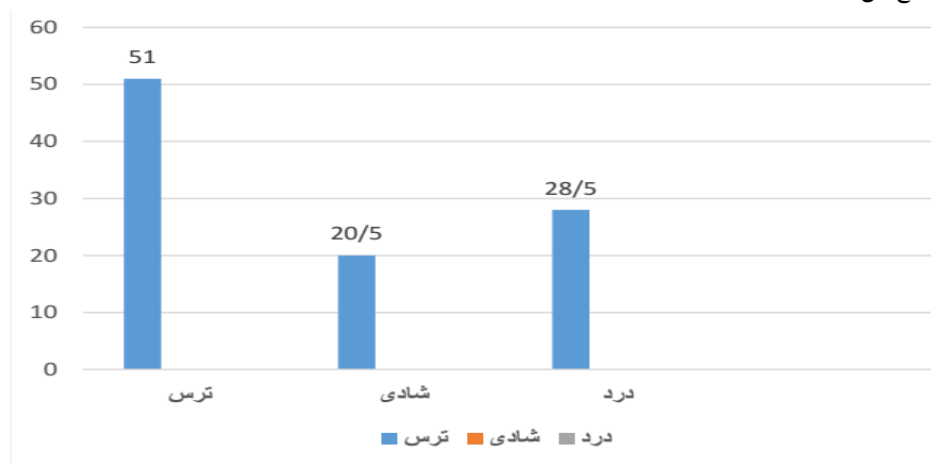
نمودار ۴- درصد فراوانی انواع استعاره در آثار شریعتی

با توجه به جدول و نمودار ۴ سه استعاره ترس، شادی و درد در آثار شریعتی مورد استفاده قرار گرفته‌اند. استعاره ترس با درصد فراوانی (۴۲/۵٪) بیشترین میزان استعاره را داشته‌اند. بعد از آن استعاره درد با (۳۲٪) و استعاره شادی با میزان (۲۵/۵٪) کمترین میزان استفاده استعاره در آثار مورد بررسی شریعتی را داشته‌اند.

انواع استعاره در آثار مطهری

جدول ۵- درصد فراوانی انواع استعاره در آثار مطهری

انواع استعاره	فراوانی	درصد	درصد صحیح	درصد تجمعی
ترس	۱۱۰	۵۱٪	۵۱	۵۱٪
شادی	۴۴	۲۰/۵٪	۲۰/۵	۷۱/۵٪
درد	۶۰	۲۸/۵٪	۲۸/۵	۱۰۰
جمع کل	۲۴۱	۱۰۰٪	۱۰۰	-



نمودار ۵- درصد فراوانی انواع استعاره در آثار مطهری

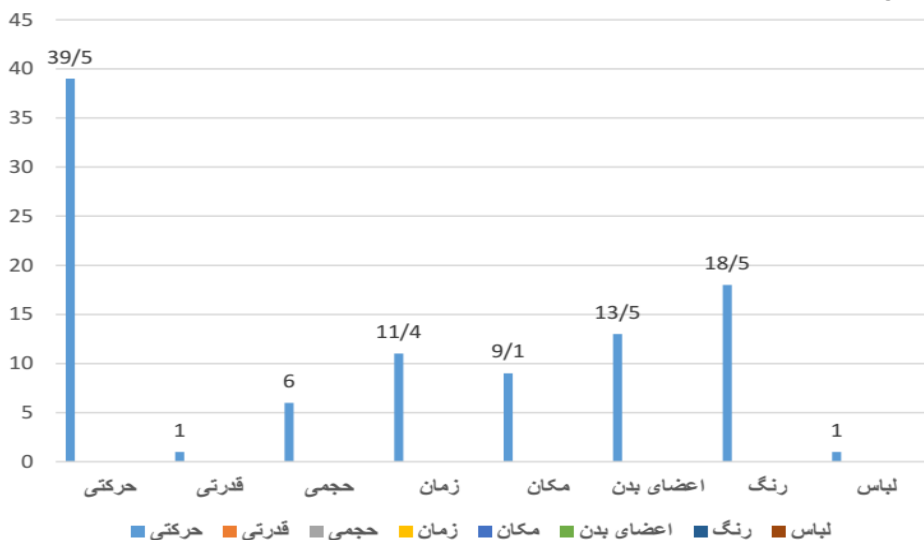
جدول و نمودار ۵ نشان می‌دهد که استعاره ترس با (۵۱٪) بیشترین استفاده و بعد از آن استعاره درد (۲۸/۵٪) درصد بیشتری را به خود اختصاص داده‌اند. و استعاره شادی با درصد (۲۰/۵٪) کمترین میزان استفاده از استعاره در آثار مطهری را داشته است.

انواع طرح‌واره در آثار شریعتی

جدول ۶- درصد فراوانی انواع طرح‌واره در آثار شریعتی

انواع طرح‌واره	فراوانی	درصد	درصد صحیح	درصد تجمعی
حرکتی	۳۸	۳۹/۵٪	۳۹/۵	۳۹/۵٪
قدرتی	۱	۱٪	۱	۴۰/۵٪

حجمی	۶	۶٪	۶
زمان	۱۱/۴	۱۱/۴٪	۱۱
مکان	۹/۱	۹/۱٪	۹
اعضای بدن	۱۳/۵	۱۳/۵٪	۱۳
رنگ	۱۸/۵	۱۸/۵٪	۱۸
لباس	۱	۱٪	۱
جمع کل	۱۰۰	۱۰۰٪	۹۶



نمودار ۶- درصد فراوانی انواع طرحواره در آثار شریعتی

با توجه به جدول و نمودار ۶ طرحواره حرکتی با (۳۹/۵٪) بیشترین فراوانی را در میان انواع طرحواره‌های مورد استفاده شده در آثار شریعتی را داشته است. استعاره رنگ (۱۸/۵٪) و بعد از آن استعاره اعضای بدن (۱۳/۵٪) زمان با درصد (۱۱/۴٪) و مکان با درصد فراوانی (۹/۱٪) بیشترین میزان را به ترتیب داشته‌اند و طرحواره‌های حجمی با (۶٪)، قدرتی و لباس هرکدام با (۱٪) کمترین میزان استفاده از طرحواره‌های تصویری در آثار شریعتی را به خود اختصاص داده‌اند.

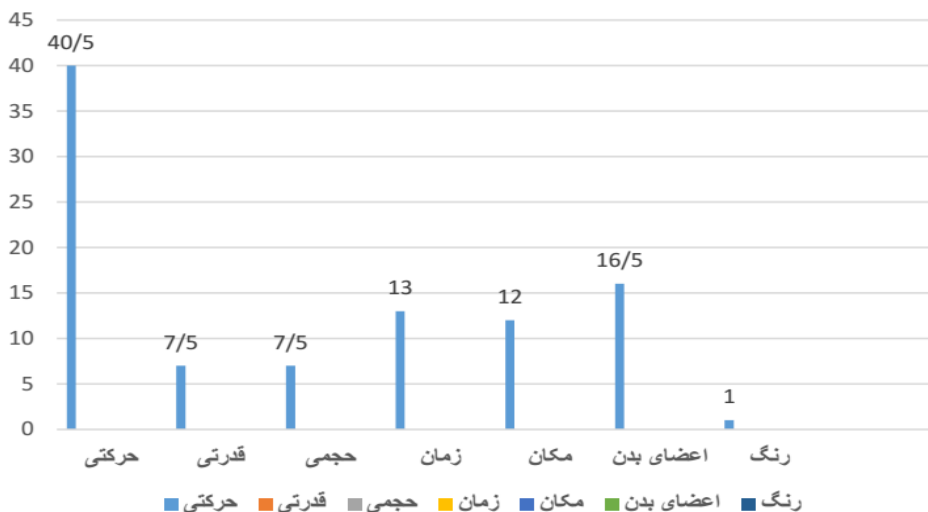
انواع طرحواره در آثار مطهری

نمودار و جدول ۷ نشان می‌دهد که طرحواره حرکتی با درصد (۴۰/۵٪) بیشترین استفاده از طرحواره را داشته است. بعد از طرحواره حرکتی، اعضای بدن با (۱۶/۵٪)، زمان (۱۳٪)، مکان (۱۲٪) بیشترین میزان استفاده از طرحواره در میان آثار مورد بررسی مطهری داشته‌اند. کمترین

میزان استفاده از طرح‌واره مربوط به طرح‌واره‌های حجمی و قدرتی با میزان (۷/۵٪) و رنگ با (۱٪) کمترین درصد را داشته‌اند.

جدول ۷- درصد فراوانی انواع طرح‌واره در آثار مطهری

انواع طرح‌واره	فراوانی	درصد	درصد صحیح	درصد تجمعی
حرکتی	۳۲	۴۰/۵٪	۴۲/۵	۴۲/۵٪
قدرتی	۶	۷/۵٪	۷/۵	۵۰٪
حجمی	۶	۷/۵٪	۷/۵	۵۷/۵٪
زمان	۱۱	۱۳٪	۱۳	۷۰/۵٪
مکان	۱۰	۱۲٪	۱۲	۸۲/۵٪
اعضای بدن	۱۳	۱۶/۵٪	۱۶/۵	۹۹٪
رنگ	۱	۱٪	۱	۱۰۰٪
لباس	-	-	-	-
جمع کل	۷۹	۱۰۰	۱۰۰	-



نمودار ۷- درصد فراوانی انواع طرح‌واره در آثار مطهری

یافته‌های استنباطی

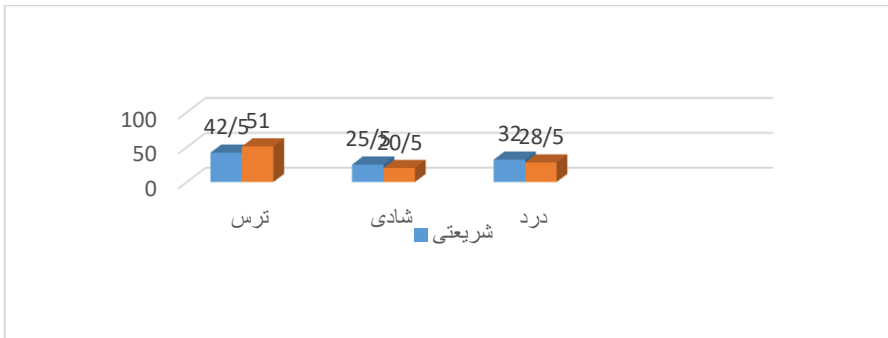
بررسی فرضیه اصلی تحقیق

- تفاوت معناداری در شیوه‌های مفهوم‌سازی از جمله نحوه استفاده از مفاهیم استعاره مقوله انسان در آثار شریعتی و مطهری وجود دارد.

برای بررسی فرضیه اصلی تحقیق از آزمون لگ خطی استفاده می‌شود. با توجه به جدول و نمودار ۸ و ۹ نتایج این آزمون نشان می‌دهد که تفاوت معناداری میان دو متغیر نویسندگان و مفاهیم استعاری وجود دارد. میزان معناداری همانطور که در جدول ۹ نشان داده شده است، ۰/۰۳۲ است و مقدار رابطه ۲/۳۶۹ که کمتر ۰/۰۵ می‌باشد.

جدول ۸- آزمون لگ خطی مفاهیم استعاره مقوله انسان در آثار شریعتی و مطهری

انواع استعاره	تعداد	شریعتی	مطهری	کل
ترس	۱۵۸	۱۱۰	۲۶۸	
درصد	%۴۲.۵	۵۱٪	۴۵.۸٪	
شادی	۹۴	۴۴	۱۳۸	
درصد	%۲۵/۵	۲۰/۵٪	۲۳.۶٪	
درد	۱۱۹	۶۰	۱۷۹	
درصد	۳۲٪	۲۸/۵٪	۳۰.۶٪	
کل	۳۷۱	۲۱۴	۵۸۵	
درصد	۱۰۰	۱۰۰٪	۱۰۰٪	



نمودار ۸- مفاهیم مقوله انسان در آثار شریعتی و مطهری

جدول ۹- مقدار رابطه و سطح معناداری نحوه استفاده از مفاهیم استعاری در آثار شریعتی و مطهری

فرضیه اصلی	مقدار رابطه	سطح معناداری
تفاوت معناداری در شیوه‌های مفهوم سازی از جمله نحوه استفاده از مفاهیم استعاره مقوله انسان در آثار شریعتی و مطهری وجود دارد.	۲/۳۶۹	۰/۰۳۲

بررسی فرضیه‌های فرعی تحقیق

۱. تفاوت معناداری در ارائه انواع استعاره‌های مفهومی و طرح‌واره‌های تصویری در

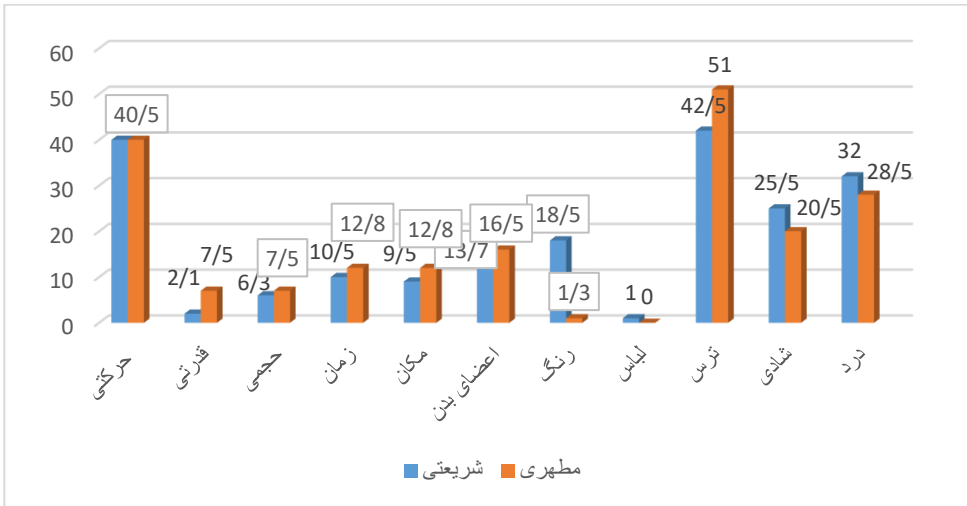
تجسم‌سازی مفهوم انسان در آثار شریعتی و مطهری وجود دارد.

با توجه به نتایجی که از آزمون لگ خطی بدست آمد و در جداول ۱۰ و ۱۱ نیز نشان داده شده است تفاوت معناداری در ارائه انواع استعاره‌های مفهومی و طرح‌واره‌های تصویری در آثار شریعتی و مطهری وجود دارد و فرضیه مورد تأیید می‌باشد زیرا مقدار رابطه $۱۳/۴۶۸$ و مقدار معناداری $۰/۰۲۲$ است که این میزان کمتر از $۰/۰۵$ می‌باشد و باعث می‌شود که فرضیه ما مورد تأیید قرار گیرد. در نتیجه رابطه معناداری میان انواع استعاره‌های مفهومی و طرح‌واره‌های تصویری در تجسم‌سازی مفهوم انسان در آثار هر دو نویسنده وجود دارد

جدول ۱۰- آزمون لگ خطی انواع استعاره‌های مفهومی و طرح‌واره‌های تصویری

طرح‌واره	کل	مطهری	شریعتی	تعداد	درصد
حرکتی	۷۰	۳۲	۳۸	تعداد	۴۰٪
				درصد	۴۰٪
قدرتی	۸	۶	۲	تعداد	۲/۱٪
				درصد	۷/۵٪
حجمی	۱۲	۶	۶	تعداد	۶/۳٪
				درصد	۷/۵٪
اعضای بدن	۲۶	۱۳	۱۳	تعداد	۱۳/۷٪
				درصد	۱۶/۵٪
زمان	۲۰	۱۰	۱۰	تعداد	۱۰/۵٪
				درصد	۱۲/۸٪
مکان	۱۹	۱۰	۹	تعداد	۹/۵٪
				درصد	۱۲/۸٪
رنگ	۱۹	۱	۱۸	تعداد	۱۸/۵٪
				درصد	۱/۳٪
لباس	۱	۰	۱	تعداد	۱٪
				درصد	۰٪
کل	۱۷۵	۷۸	۹۷	تعداد	۱۰۰٪
				درصد	۱۰۰٪
انواع استعاره	۲۶۸	۱۱۰	۱۵۸	تعداد	۴۲/۵٪
				درصد	۵۱٪

شادی	تعداد	۹۴	۴۴	۱۳۸
	درصد	۲۵/۵٪	۲۰/۵٪	٪۲۳/۶
درد	تعداد	۱۱۹	۶۰	۱۷۹
	درصد	۳۲٪	۲۸/۵٪	٪۳۰/۶
کل	تعداد	۳۷۱	۲۱۴	۵۸۵
	درصد	۱۰۰٪	۱۰۰٪	۱۰۰٪



نمودار ۹- آزمون لگ خطی انواع طرحواره و استعاره در آثار شریعتی و مطهری

جدول ۱۱- مقدار رابطه و سطح معناداری انواع استعاره‌های مفهومی و طرحواره‌های تصویری

فرضیه فرعی اول	مقدار رابطه	سطح معناداری
تفاوت معناداری در ارائه انواع استعاره‌های مفهومی و طرحواره‌های تصویری در تجسم‌سازی مفهوم انسان در آثار شریعتی و مطهری وجود دارد.	۱۳/۴۶۸	۰/۰۲۲
کل	۶۱۲	

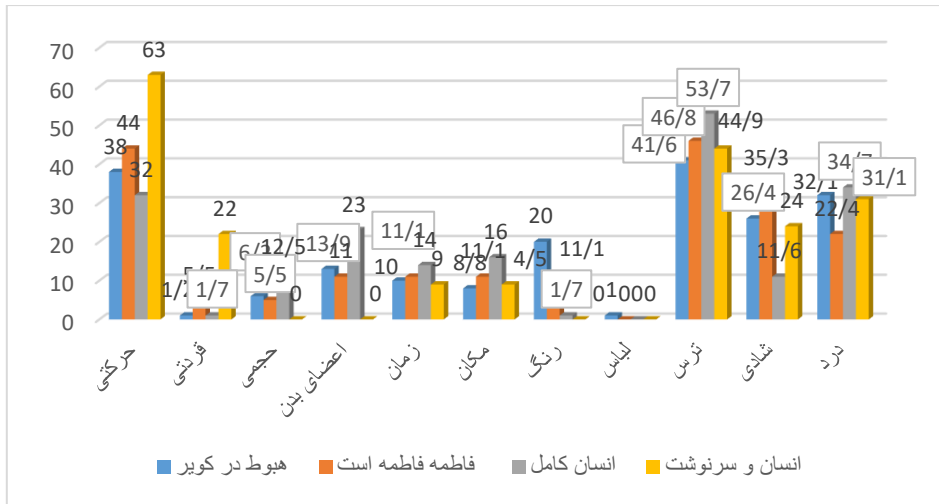
۲. تفاوت معناداری در تنوع و فراوانی استفاده از انواع استعاره و طرحواره‌های

تصویری در آثار مطهری و شریعتی وجود دارد.

برای بررسی دومین فرضیه فرعی تحقیق نیز از آزمون لگ خطی استفاده می‌شود. همانطور که جدول و نمودار ۴-۱۲ و ۴-۱۳ نشان می‌دهد مقدار معناداری ۰/۰۳۳ و مقدار رابطه ۱۵/۲۷۸ می‌باشد که کمتر از مقدار معناداری که همان ۰/۰۵ می‌باشد، است، در نتیجه رابطه معنادار وجود دارد و فرضیه مورد تأیید می‌باشد.

جدول ۱۲-آزمون لگ خطی تنوع و فراوانی استفاده از انواع استعاره‌های مفهومی و طرح‌واره‌های تصویری

انواع طرح‌واره	هیسوط در کویر	فاطمه فاطمه است	انسان کامل	انسان و سرنوشت
حرکتی	تعداد ۳۰	۸	۱۸	۱۴
	درصد ۳۸٪	۴۴٪	۳۲٪	۶۳/۵٪
قدرتی	تعداد ۱	۱	۱	۵
	درصد ۱/۲٪	۵/۵٪	۱/۷٪	۲۲٪
حجمی	تعداد ۵	۱	۶	-
	درصد ۶/۳٪	۵/۵٪	۱۲/۵٪	-
اعضای بدن	تعداد ۱۱	۲	۱۳	-
	درصد ۱۳/۹٪	۱۱/۱٪	۲۳٪	-
زمان	تعداد ۸	۲	۸	۲
	درصد ۱۰٪	۱۱/۱٪	۱۴٪	۹٪
مکان	تعداد ۷	۲	۹	۱
	درصد ۸/۸٪	۱۱/۱٪	۱۶٪	۴/۵٪
رنگ	تعداد ۱۶	۲	۱	-
	درصد ۲۰٪	۱۱/۱٪	۱/۷٪	-
لباس	تعداد ۱	-	-	-
	درصد ۱/۲٪	-	-	-
کل	تعداد ۷۹	۱۸	۵۶	۲۲
	درصد ۱۰۰٪	۱۰۰٪	۱۰۰٪	۱۰۰٪
انواع استعاره	تعداد ۱۲۳	۳۶	۴۵	۶۵
	درصد ۴۱/۶٪	۴۶/۸٪	۵۳/۷٪	۴۴/۹٪
شادی	تعداد ۷۸	۳۰	۳۰	۱۴
	درصد ۲۶/۴٪	۳۵/۳٪	۱۱/۶٪	۲۴٪
درد	تعداد ۹۵	۱۹	۱۸	۴۲
	درصد ۳۲/۱٪	۲۲/۴٪	۳۴/۷٪	۳۱/۱٪
کل	تعداد ۴۵۴	۱۲۱	۲۰۵	۱۶۵
	درصد ۱۰۰٪	۱۰۰٪	۱۰۰٪	۱۰۰٪



نمودار ۱۰- نمودار فراوانی انواع استعاره‌های مفهومی و طرح‌واره‌های تصویری

جدول ۱۳- مقدار رابطه و معناداری تنوع و فراوانی انواع استعاره و طرح‌واره‌های تصویری

فرضیه فرعی دوم	مقدار رابطه	سطح معناداری
تفاوت معناداری در تنوع و فراوانی استفاده از انواع استعاره و طرح‌واره‌های تصویری در آثار مطهری و شریعتی وجود دارد.	۱۵.۲۷۸	۰/۰۳۳
کل	۵۷۹	

۳. انواع شیوه‌های مفهوم‌سازی تأثیر مساوی بر تجسم‌سازی مفهوم انسان در آثار

شریعتی و مطهری وجود دارد.

برای بررسی این فرضیه از آزمون لگ خطی استفاده است. نتایج نشان می‌دهد که در تعداد جملاتی که در آنها استعاره و طرح‌واره بکار رفته است در آثار شریعتی و مطهری تفاوت معناداری وجود دارد. مقدار معناداری همانطور که در جدول ۱۴ نشان داده شده کمتر از مقدار معناداری ۰/۰۵ می‌باشد، در نتیجه فرضیه مورد تأیید قرار می‌گیرد.

جدول ۱۴- آزمون لگ خطی برای تعیین تأثیر مساوی به تفکیک در تعداد شیوه‌های مفهوم‌سازی در آثار شریعتی و مطهری

متغیر	لگ خطی	درجه آزادی	معناداری
انواع استعاره و طرح‌واره	۱۱/۴۷۳	۱	۰/۰۲۵
انواع استعاره و طرح‌واره/ شریعتی	۱۸/۸۱۳	۶	۰/۰۱۳
انواع استعاره و طرح‌واره/ مطهری	۲۰/۱۸۷	۶	۰/۰۱۱

جدول ۱۵- آزمون لگ خطی برای تعیین تأثیر مساوی در کل شیوه‌های مفهوم‌سازی در آثار شریعتی و مطهری

تأثیر مساوی شیوه‌های مفهوم‌سازی مفهوم انسان در آثار لگ خطی درجه آزادی سطح معناداری

بحث و نتیجه گیری

براساس نتایج بدست آمده از داده‌های پژوهش کتاب هبوط در کویر، با ۴۲/۲ درصد، انسان کامل ۱۹/۶ درصد، انسان و سرنوشت با ۱۹ درصد و فاطمه فاطمه است با ۱۲/۲ درصد به ترتیب از انواع استعاره و طرح‌واره استفاده کرده‌اند. همچنین کتاب هبوط در کویر با ۵۰/۵ درصد، انسان و سرنوشت با ۲۰/۵ درصد، انسان کامل ۱۶ درصد و فاطمه فاطمه است با ۱۳ درصد، به ترتیب از استعاره‌های ترس، شادی و درد استفاده کرده‌اند. از میان آثار مورد بررسی کتاب هبوط در کویر با ۴۵ درصد، انسان کامل ۳۲ درصد، انسان و سرنوشت با ۱۲/۷ درصد و فاطمه فاطمه است با ۱۰/۳ درصد به ترتیب از انواع طرح‌واره‌ها استفاده کرده‌اند.

از دیگر نتایج این تحقیق می‌توان به انواع استعاره در آثار هر دو نویسنده اشاره کرد که در آثار شریعتی استعاره ترس با ۴۲/۵ درصد، درد ۳۲ درصد، و شادی ۲۵/۵ درصد بیشترین میزان استفاده را داشته‌اند و در آثار مطهری نیز استعاره ترس با ۵۱ درصد، درد با ۲۸/۵ درصد و شادی ۲۰/۵ درصد استفاده شده است. این نتیجه نشان می‌دهد که استعاره ترس در میان آثار هر دو نویسنده بیشترین استفاده و استعاره شادی کمترین میزان را داشته است. در این پژوهش علاوه بر انواع استعاره، انواع طرح‌واره‌های تصویری نیز مورد بررسی قرار گرفته است. در میان آثار شریعتی طرح‌واره حرکتی ۳۹/۵ درصد، رنگ ۱۸/۵ درصد، اعضای بدن با ۱۳/۵ درصد، زمان ۱۱/۴ درصد، مکان با ۹/۱ درصد، حجمی ۶ درصد و طرح‌واره‌های قدرتی و لباس هرکدام با ۱ درصد کمترین میزان استفاده از طرح‌واره را در میان آثار مورد بررسی داشته‌اند. در مقابل نیز طرح‌واره‌های حرکتی ۴۰/۵ درصد، اعضای بدن با ۶/۵ درصد، زمان ۱۳ درصد، مکان ۱۲ درصد و طرح‌واره‌های حجمی و قدرتی هر کدام با ۷/۵ درصد و رنگ با ۱ درصد کمترین میزان استفاده را داشته‌اند. بطور کلی می‌توان گفت انواع شیوه‌های مفهوم سازی از جمله استعاره و طرح‌واره‌ها در آثار شریعتی بیشتر از آثار مطهری مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

نتایج فرضیات تحقیق نشان داد که فرضیه اصلی این پژوهش که عبارت بود از «تفاوت معناداری در شیوه‌های مفهوم سازی از جمله نحوه استفاده از مفاهیم استعاره مقوله انسان در آثار شریعتی و مطهری وجود دارد» که با سطح معناداری ۰/۰۳۲ مورد تأیید قرار گرفت. بطور کلی می‌توان گفت که هر دو نویسنده از استعاره و انواع آن استفاده کرده‌اند و با توجه نظریه استعاره‌های مفهومی که توسط لیکاف و جانسون مطرح شده است، استعاره‌های ترس، شادی و درد در آثاری که مورد بررسی قرار گرفته‌اند استفاده شده است. دلیل تأیید این فرضیه را شاید استفاده زیاد از استعاره در آثار شریعتی دانست. چون جمله‌هایی که در آنها استعاره ترس با ۱۵۸ جمله، درد ۱۱۹ جمله و شادی با ۹۴ جمله نسبت به استعاره در آثار مطهری بیشتر بوده‌اند و همین دلیل باعث بر

تأیید فرضیه می‌شود. دلیل اینکه شریعتی در آثار خود بیشتر از استعاره‌های مفهومی استفاده کرده است را می‌توان نزدیک بودن سبک نوشتاری این نویسنده به زبان ادبی دانست، زیرا استعاره‌ها برای زیبایی‌آفرینی بکار می‌روند و هر چه اثری به زبان ادبی نزدیکتر باشد از استعاره و طرح‌واره در آن بیشتر استفاده می‌شود. همچنین دکتر شریعتی به قابلیت‌های زبانی برای بیان دیدگاه خود اعتقاد داشته و همین هم باعث استفاده این نویسنده از استعاره و طرح‌واره در آثار خود بوده است. این پژوهش با نظریه جانسون و لیکاف (۱۹۸۰) همسو می‌باشد که مبانی نظری این پژوهش نیز براساس نظریه این دو می‌باشد.

در ادامه برای بررسی اولین فرضیه فرعی تحقیق «تفاوت معناداری در ارائه انواع استعاره‌های مفهومی و طرح‌واره‌های تصویری در تجسم‌سازی مفهوم انسان در آثار شریعتی و مطهری وجود دارد» از آزمون لگ خطی استفاده گردید که بررسی‌ها نشان دادند این فرضیه نیز مورد تأیید قرار گرفته است. مقدار معناداری این فرضیه ۰/۰۲۲ می‌باشد که کمتر از ۰/۰۵ است. با توجه به آماري که در جدول ۱۰ و آزمون لگ خطی که در جدول ۱۱ نشان داده شده است می‌توان در مورد فرضیه فرعی اول چنین گفت که تفاوت معناداری در ارائه انواع استعاره‌های مفهومی و طرح‌واره‌ها وجود دارد و دو نویسنده به صورت یکسان از آن‌ها استفاده نکرده‌اند. مقدار رابطه بدست آمده ۱۳/۴۶۸ و میزان معناداری آن ۰/۰۲۲ می‌باشد که نشان دهنده آن است این سطح از معناداری در سطح ۰/۰۵ معنادار و مورد تأیید می‌باشد. دلیل این معنادار بودن را شاید بتوان به تعداد جملات که در آثار هر دو نویسنده بکار رفته است، نسبت داد. از مجموع جملات در آثار هر دو نویسنده ۷۰ طرح‌واره حرکتی استخراج شده است که در آثار شریعتی ۳۸ جمله از ۷۰ و مطهری ۳۲ از ۷۰ بوده است. طرح‌واره قدرتی ۸ جمله که شریعتی ۲ جمله و مطهری ۶ جمله از ۸ جمله بوده است. حجمی، اعضای بدن و زمان به ترتیب ۱۲، ۲۶ و ۲۰ جمله بوده که هر دو نویسنده بطور یکسان استفاده کرده‌اند. طرح‌واره مکان ۱۹ جمله که شریعتی ۹ از ۱۹ و مطهری ۱۰ از ۱۹ بوده، طرح‌واره رنگ که ۱۹ جمله بوده که شریعتی ۱۸ جمله و مطهری ۱ جمله، که تفاوت زیادی با یکدیگر دارند و لباس که ۱ جمله بوده و فقط در آثار شریعتی مورد استفاده قرار گرفته است. استعاره‌های مفهومی نیز سه استعاره ترس، شادی و درد در هر چهار اثر استفاده شده‌اند. استعاره ترس ۲۶۸ جمله که شریعتی ۱۸۵ جمله و مطهری ۱۱۰ جمله، شادی ۱۳۸ جمله، شریعتی ۹۴ و مطهری ۴۴ جمله، و استعاره درد با ۱۷۹ جمله که شریعتی ۱۱۹ و مطهری ۶۰ جمله استفاده کرده‌اند. با توجه به اینکه شریعتی و مطهری از نویسنده‌های گفتمان‌های مذهبی به شمار می‌روند و در این گفتمان‌ها از مفاهیم انتزاعی بیشتر استفاده می‌شود هر دو نویسنده در آثار خود از این مفاهیم استفاده کرده ولی همانطور که قبلاً نیز گفته شد سبک نوشتاری نویسنده نیز در این میزان بسامد دخیل است. این پژوهش از طرفی با نظریه توماس (۲۰۱۰) همسو می‌باشد که معتقد است این ساختارها به

پیوندهای استعاری بین مفاهیم و مقولات اجازه می‌دهد تا پایه و اساس استدلال و بررسی انتزاعی را فراهم کنند از طرفی دیگر با کوروش صفوی همسو می‌باشد که در کتاب درآمدی بر معنی‌شناسی (۱۳۷۹) به بررسی طرح‌واره‌ها و استعاره‌ها پرداخته‌است.

فرضیه فرعی دوم «تفاوت معناداری در تنوع و فراوانی استفاده از انواع استعاره و طرح‌واره‌های تصویری در آثار مطهری و شریعتی وجود دارد». همانطور که در جدول‌ها هم نشان داده است در تنوع و فراوانی استفاده از استعاره و طرح‌واره تفاوت وجود دارد. در آثار شریعتی ۳۷۱ جمله که در آنها استعاره استفاده شده و طرح‌واره‌ها با ۹۶ جمله، در آثار مطهری استعاره‌ها ۲۴۱ جمله و طرح‌واره‌ها با ۷۹ جمله نشان دهنده این است که در میان آثار دو نویسنده تفاوت در تنوع و فراوانی وجود دارد. برای نشان دادن این معناداری از لگ خطی استفاده شده است که با توجه به مقدار معناداری ۰/۰۳۳ که کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد، این ارتباط معنادار است و فرضیه مورد تأیید است. همانطور که قبلاً نیز گفته شد، انواع استعاره و طرح‌واره در هر چهار اثر نویسنده استفاده شده‌اند که به تفکیک هر اثر در جدول ۱۲ نشان داده شده‌اند. طرح‌واره حرکتی در کتاب هبوط در کویر با ۳۰ جمله، انسان کامل ۱۸ جمله، انسان و سرنوشت ۱۴، و فاطمه فاطمه است ۸ جمله به ترتیب بیشترین و کمترین بوده‌اند. طرح‌واره قدرتی در کتاب انسان و سرنوشت ۵ جمله، هبوط در کویر، فاطمه فاطمه است و انسان کامل هر کدام یک جمله. طرح‌واره حجمی انسان کامل ۶ جمله، هبوط در کویر ۵ جمله، فاطمه فاطمه است ۱ جمله و انسان و سرنوشت که این طرح‌واره وجود نداشت به ترتیب بیشترین و کمترین بوده‌اند. طرح‌واره زمان در کتاب های هبوط در کویر و انسان کامل هر کدام ۸ جمله، و فاطمه فاطمه است و انسان و سرنوشت هر کدام ۲ جمله. طرح‌واره مکان در کتاب انسان کامل ۹ جمله، هبوط در کویر ۷ جمله، فاطمه فاطمه است ۲ جمله و انسان و سرنوشت ۱ جمله بوده‌است. طرح‌واره رنگ نیز به ترتیب در کتاب هبوط در کویر ۱۶ جمله، فاطمه فاطمه است ۲ جمله و انسان کامل ۱ جمله، و انسان و سرنوشت که این طرح‌واره یافت نشد، بیشترین و کمترین تنوع و فراوانی را داشته‌اند. طرح‌واره لباس که فقط در کتاب هبوط در کویر شریعتی ۱ جمله و در بقیه آثار این طرح‌واره وجود نداشت.

استعاره‌های مفهومی نیز به تفکیک در هر اثر در جدول ۱۲، وجود دارند. که استعاره ترس در کتاب هبوط در کویر با ۱۲۳ جمله بیشترین و فاطمه فاطمه است با ۳۵ جمله کمترین، در میان آثار مطهری نیز انسان و سرنوشت با ۶۵ جمله بیشترین و انسان کامل با ۴۵ جمله بیشترین و کمترین فراوانی را داشته‌اند. استعاره شادی در کتاب هبوط در کویر ۷۸ جمله، انسان کامل ۳۰، فاطمه فاطمه است ۱۶ و انسان و سرنوشت با ۱۴ جمله، بیشترین و کمترین فراوانی را داشته‌اند. استعاره درد نیز در کتاب هبوط در کویر با ۹۵ جمله، انسان و سرنوشت ۴۲، فاطمه فاطمه است ۲۴، انسان کامل نیز با ۱۸ جمله به ترتیب بیشترین و کمترین فراوانی را در میان آثار دو نویسنده داشته‌اند.

دلیل تأیید این فرضیه را می‌توان در تنوع و فراوانی که در بالا ذکر شده است دانست. همانطور که آمار و ارقام نشان می‌دهد، بطور کلی انواع استعاره‌های مفهومی و طرح‌واره‌های تصویری در آثار شریعتی بیشتر مورد استفاده قرار گرفته‌اند و دلیل تأیید این فرضیه را نیز می‌توان هم‌مین تفاوت در تنوع و فراوانی دانست. همانطور که نتایج آماری نشان می‌دهد و در نتایج فرضیات قبلی هم گفته شد با توجه به نزدیک بودن سبک نویسندگی خود به زبان ادبی و علاقه به نشان دادن مفاهیم بصورت پیچیده و انتزاعی از استعاره و طرح‌واره بیشتر از نویسنده دیگر استفاده کرده است. در حالیکه مطهری از زبان ساده برای بیان سخنان خود استفاده کرده است و کمتر از طرح‌واره و استعاره کمک گرفته است. به‌توتی (۱۳۸۶) در پایان‌نامه خود به بررسی طرح‌واره و استعاره‌ها در غزلیات حافظ پرداخته، که نتایج آن همسو با این پژوهش می‌باشد.

فرضیه سوم فرعی با عنوان «انواع شیوه‌های مفهوم‌سازی تأثیر مساوی بر تجسم‌سازی مفهوم انسان در آثار شریعتی و مطهری ندارد» نیز مورد تأیید قرار گرفت. با توجه به تأثیر مساوی شیوه‌های مفهوم‌سازی استعاره‌های مفهومی و طرح‌واره‌ها در آثار شریعتی و مطهری و مقدار معناداری ۰/۰۲۳ در سطح ۰/۰۵ بود و نویسندگان آثار مربوطه بطور مساوی از انواع شیوه‌های مفهوم‌سازی استفاده نکرده‌اند. این فرضیه با میزان معناداری ۰/۰۲۳ دلالت بر این دارد که هر دو نویسنده بطور مساوی از شیوه‌های مفهوم‌سازی استفاده نکرده‌اند و همانطور که در فرضیه قبلی نیز ذکر شده است تنوع و فراوانی در آثار هر کدام متفاوت بوده است اما با توجه به سبک نوشتاری دو نویسنده، می‌توان گفت که در آثار هریک از نویسندگان بطور جداگانه تأثیر مساوی داشته است، اما بطور کلی و با مقایسه آثار دو نویسنده شیوه‌های مفهوم‌سازی تأثیر یکسان نداشته‌اند. همانطور که گفته شد نزدیکی سخنان و سبک نویسندگی در آثار شریعتی که به زبان ادبی نزدیکتر است تأثیر یکسان نبوده و هم‌مین سبک هم در گفتمان‌های مذهبی و سیاسی که تا آن دوره وجود نداشته است باعث جذب جوانان زیادی به آثار شریعتی بوده است همچنین خصایص زبان ادبی می‌توانند بر ایدئولوژی‌های سیاسی تأثیر بگذارند که در آثار شریعتی این تأثیرگذاری مشهود است. مهدی زاده سراج (۱۳۸۳) نیز در پژوهشی به بررسی طرح‌واره‌های تصویری در یک اثر ادبی پرداخته، که نتایج این پژوهش با پژوهش ذکر شده همسو می‌باشد. کووچش (۲۰۲۰) نیز به وجود دامنه یا فضا‌های بیشتر جهت بررسی طرح‌واره‌ها و استعاره مفهومی تأکید دارد که همسو با نتیجه این فرضیه می‌باشد.

در حقیقت، با مطالعه عمیق فرضیه‌های مطرح شده می‌توان نتیجه گرفت که استعاره یک رویداد ذهنی بسیار پیچیده است و تحقیق تجربی در آن موضوع کار آسانی نیست و خیلی دشوار است که با استعاره بتوان روش شناسایی منسجم و صریحی را ایجاد کرد (لو و تاد، ۲۰۱۰).^۱ در

این پژوهش، همانطور که ملاحظه گردید هر دو نویسنده از استعاره‌های مفهومی و طرح‌واره‌های حرکتی در آثار خود استفاده کرده‌اند. با توجه به سبک نوشتاری شریعتی و نتایجی که بدست آمده، این نویسنده از طرح‌واره‌ها و استعاره‌ها در آثار خود بیشتر استفاده کرده است که این مورد در آثار مطهری کمتر دیده می‌شود و شاید این را بتوان به سبک‌های نوشتاری این دو نویسنده نسبت داد. همچنین شریعتی بیشتر به فضا سازی در آثار خود پرداخته است که همین باعث می‌شود نویسنده بیشتر از طرح‌واره‌ها و استعاره‌ها استفاده کند که این کار به جذابیت‌های نوشتاری این نویسنده کمک بیشتری کرده است. دلیل دیگر را می‌توان طرز تفکر دو نویسنده دانست که هر کدام به شیوه‌های متفاوتی به بیان تفکرات و مطالعات خود پرداخته‌اند اما در اصل هدفشان یکی بوده است. از طرفی دیگر، با بررسی طرح‌واره‌هایی که مورد بررسی قرار گرفته‌اند نشان داده شد که مقوله بندی ما از جهان خارج، طرح‌واره حرکتی بیشترین بسامد را داشته است. شواهد نشان می‌دهد که عوامل زیادی در شکل‌گیری طرح‌واره‌ها و استعاره‌ها نقش دارند از جمله این عوامل می‌توان به محیط پیرامون، تجربه، موقعیت جغرافیایی و... اشاره کرد. در حقیقت طرح‌واره‌ها از اعمال و رفتارهای پیرامون محیط نشأت می‌گیرند و باعث ساخت‌های مفهوم می‌شوند و برای اندیشیدن در مورد امور انتزاعی بکار می‌روند.

خلاصه اینکه، در گذشته استعاره‌ها را فقط به آثار ادبی محدود می‌کردند اما برخلاف نظریه‌های سنتی و غیر شناختی، استعاره‌ها نه تنها ابزارهای زینتی کلام نیستند بلکه نظریه‌های معاصر استعاره نشان می‌دهد که استعاره‌ها نوعی ابزار شناختی هستند که به کمک آن‌ها می‌توان به حوزه‌های تجربی شناخته‌شده تری مثل ترس، شادی و درد به درک حوزه‌های انتزاعی دست پیدا کرد. با این حال، استعاره مفهومی می‌تواند دلیل کافی برهماگنی تجسم، زبان، اندیشه و فرهنگ باشد (کووچش، ۲۰۱۱) و با استفاه از آن با گسترش نگرشهایی، راهی در کشف درک یا مفهوم سازی مفاهیم خاص در سایر نظام از جمله نظام آموزشی شود (لو، ۲۰۰۸ و وان وهمکاران، ۲۰۱۱).

منابع

- بهتویی، ز. (۱۳۸۶). *طرح‌واره‌های تصویری در بررسی استعاره‌ها در غزلیات حافظ* (پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی). دانشکده زبان‌های خارجی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران مرکز.
- تولائی، ا. (۱۳۷۹). *تأثیر طرح‌واره‌های محتوا بر خواندن* (پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی). دانشگاه فردوسی.
- جانسون، م. و آرنلینگ، ج. (۱۹۹۷). *بدن در ذهن: مبنای جسمانی معنا، تخیل و استدلال* (ترجمه جهان‌شاه میرزابیگی، چاپ پنجم ۱۴۰۰). تهران: انتشارات آگاه.

- صفوی، ک. (۱۳۷۹). *درآمدی بر معنی‌شناسی*. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، حوزه هنری، پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی.
- صیادی نژاد، ر.، اقبالی، ع.، و بابایی، ا. (۱۳۹۸). تحلیل و بررسی طرح‌واره‌های استعاره‌ی-تصویری در دو سینه بحتری و احمد شوقی. *مجله لسان مبین*.
- مهدی زاده سراج، س. (۱۳۸۳). بررسی طرح‌واره‌های تصویری در یک اثر ادبی. *مجموعه مقالات دانشگاه علامه طباطبایی*، (۱۸۶)، ۳۶۰-۳۵۱.
- یکه دهقان، م. (۱۳۷۵). *طرح‌واره‌های اسامی زبان فارسی: وجوه اشتراک و افتراق* (پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی). دانشکده زبان‌های خارجی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران مرکز.
- Cameron, L. (2007). Patterns of metaphor use in reconciliation talk. *Discourse and Society*, 18(2):197-222.
- Cameron, L. (2010). *The discourse dynamics framework for metaphor*. In Cameron, L. & Maslen, R., Ed., *Metaphor analysis*. London: Equinox, pp.77-94.
- Gibbs, R. (2011). Evaluating conceptual metaphor theory. *Discourse processes*, 48(8), 529-562.
- Kövecses, Z. (2002). *Metaphor: a practical Introduction*, Oxford: Oxford University Press.
- Kövecses, Z. (2011). Methodological issues in conceptual metaphor theory. In Handl, S., & Schmid, H. J. (Eds.), *Windows to the Mind: Metaphor, Metonymy and Conceptual Blending*. New York: Walter de Gruyter, pp.23-40.
- Kövecses, Z. (2020). *Extended Conceptual Metaphor Theory*. Cambridge University Press.
- Lakoff, G., & Johnson, M. (1980). *Metaphor we live by*. Chicago/London.
- Lakoff, G., & Johnson, M. (2003). *Metaphor we live by*. Chicago: University of Chicago Press.
- Low, G. (2008). *Metaphor and education*. In R. Gibbs (Ed.), *Cambridge handbook of metaphor and thought*. Cambridge: Cambridge University Press, pp. 212-230.
- Low, G. & Todd, Z. (2010). *Good practice in metaphor analysis: Guidelines and pitfalls*. In Cameron, L. & Maslen, R., Ed., *Metaphor analysis*. London: Equinox, pp.218-229.
- Ritchie, L.D. (2010). "Everybody goes down": Metaphors, Stories, and Simulations in *Conversations*. Published online: 09 Jul 2010. <https://doi.org/10.1080/10926488.2010.489383>
- Santy, B. (2002) *More than word: Metaphor in the Mind, Brain & Literature*. Published Senior honors thesis. Providence, Rhode island: Brown University.
- Thomas, B. A. (2010). *Complicating metaphor: Exploring writing about artistic practice through Lacanian psychoanalytic theory and conceptual metaphor theory* (Doctoral dissertation, The Ohio State University).
- Wan, W., Low, G., & Li, M. (2011). From students' and teachers' perspectives: Metaphor analysis of beliefs about EFL teachers' roles. *System*, 39(3), 403-415.
- Wittgenstein, L. (1980). *Linguistic features of writing quality*. *Written Communication*, 27, 57-86.